

داوران باب 21

زنانی برای مردان طایفه بنیامین

1 مردم اسرائیل در مصف‌ه قسم خورده گفتند: «هیچ‌کسی از ما نباید بگذارد که دخترش با مرد بنیامینی عروسی کند.» 2 مردم همه در بیت‌ئیل اجتماع کرده تا غروب در حضور خداوند نشستند و با آواز بلند زارزار گریه کردند 3 و گفتند: «خداوند، خدای اسرائیل، چرا چنین مصیبتی بر سر مردم اسرائیل آمد؟ چرا طایفه بنیامین از میان بنی اسرائیل نابود شد؟»

4 صبح روز بعد، مردم یک قربانگاه ساختند و قربانی‌های سوختنی و سلامتی تقدیم کردند. 5 بعد پرسیدند: «کدام طایفه اسرائیل در اجتماع ما به حضور خداوند حاضر نشد؟» آنها قسم خورده بودند که اگر کسی به حضور خداوند در مصف‌ه نیاید، حتماً کشته می‌شود. 6 در عین حال آنها به‌خاطر برادران بنیامینی خود بسیار غمگین بودند و می‌گفتند: «امروز یک طایفه اسرائیل کم شد. 7 حال با مردانی که زنده مانده‌اند چه کنیم؟ زیرا ما به نام خداوند قسم خورده‌ایم که دختران خود را به آنها ندهیم.»

8 دوباره پرسیدند: «کدام طایفه اسرائیل به حضور خداوند در مصف‌ه حاضر نشده است؟» پس معلوم شد که از یابیش جلعاد هیچ‌کسی نیامده بود. 9 زیرا وقتی که سرشماری کردند، حتی یک نفر هم، از ساکنان یابیش جلعاد را در آنجا نیافتند. 10 پس آنها دوازده هزار نفر از مردان دلیر خود را به آنجا فرستاده گفتند: «به یابیش جلعاد بروید و همه ساکنان آنجا را با زنها و کودکان بکشید. 11 و شما باید همه مردان و همچنین زنانی را که باکره نیستند، بکلی از بین ببرید.» 12 آنها رفتند و در بین مردم جلعاد، چهارصد دختر جوان باکره یافتند و آنها را به اردوگاه شیلوه، در سرزمین کنعان آوردند.

13 بعد مردم اسرائیل به بازماندگان طایفه بنیامین که در صخره رمون بودند، پیامی فرستاده، پیشنهاد صلح کردند. 14 مردان بنیامین به شیلوه برگشتند و اسرائیل آن چهارصد دختری را که از یابیش جلعاد زنده آورده بودند، به آنها دادند. اما تعداد آن دخترها برای همه آنها کافی نبود.

15 مردم اسرائیل بسیار غمگین بودند، زیرا خداوند بین آنها نفاق انداخته بود. 16 رهبران قوم گفتند: «چون زنهای طایفه بنیامین از بین رفته‌اند، پس برای بقیه مردان آنها از کجا زن پیدا کنیم؟ 17 بازماندگان طایفه بنیامین باید وارث داشته باشند تا آن طایفه بکلی از بین نرود. 18 در عین حال ما هم نمی‌توانیم که دختران خود را به آنها بدهیم، زیرا قسم خورده‌ایم که: لعنت بر ما، اگر دختران خود را به مردان بنیامینی بدهیم.»

19 بعد به فکرشان رسید که در شیلوه، بین لبونه و بیت‌ئیل در امتداد قسمت شرقی شاهراهی که از بیت‌ئیل به شکیم می‌رود، برای خداوند جشن سالانه برپا می‌شود. 20 به مردان بنیامین گفتند: «بروید و در تاکستانها پنهان شوید. 21 صبر کنید تا دختران شیلوه برای رقص با رقاصان بیرون بیایند. آنگاه از مخفیگاه خود خارج شوید و هر کدامتان یکی از دخترها را برای خود گرفته، به سرزمین بنیامین بروید. 22 اگر پدران یا برادرانشان به نزد شما آمدند و اعتراض کردند، شما می‌توانید به آنها چنین بگویید: 'لطفاً

اجازه دهید آنها را نگاه داریم، چرا که ما آنها را در جنگ از شما به اسیری نگرفته‌ایم تا همسران ما باشند و از آنجا که شما آنها را به ما ندهاید، مقصّر شکستن سوگند خود نیستید.»

23 مردان بنیامین طبق دستور آنها رفتار کردند. هر کدام برای خود یکی از آن رقاصه‌ها را گرفته، به سرزمین خود بردند. شهرها را دوباره آباد کردند و در آنجا زندگی را از نو شروع کردند. 24 مردم اسرائیل هم هر کدام به طایفه و خانواده و سرزمین خود برگشتند.

25 در آن زمان در اسرائیل پادشاهی نبود و مردم هرچه می‌خواستند می‌کردند.